

تحلیل سخنان حسن روحانی و باراک اوباما در مجمع عمومی سازمان ملل متحد و تأثیر آن بر روابط آتی ایران و آمریکا براساس «نظریه کنش گفتار»

سیده لیلا موسوی*

دانشجوی دکتری علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات تهران

هومن نیری

دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه یاسوج

چکیده

در سال‌های اخیر تحلیل سخنان مقام‌های سیاسی جهان و تأثیر آن بر روابط کشورها با یکدیگر به شدت مورد استقبال گرفته است. در این راه یکی از نظریه‌های مطرح برای تحلیل نظریه کنش گفتاری «آستین» است. نظریه‌ای که با گذشت زمان اهمیت آن بیش از پیش گشته و امروز به‌عنوان یکی از نظریه‌های مطرح در عرصه زبان‌شناسی و تحلیل سخنرانی‌های مقام‌های سیاسی در خصوص موضوعات مختلف به شمار می‌رود. در این مقاله تلاش می‌شود تا با استفاده از نظریه آستین و نوع نگاه وی و «سرل» یکی دیگر از نظریه‌پردازان مطرح کنش گفتار به زبان به‌عنوان عاملی برای کنش به تحلیل سخنان روسای جمهور دو کشور ایران (حسن روحانی) و ایالات متحده آمریکا (باراک اوباما) پرداخت. بعد از طرح مساله در ابتدای مقاله تلاش خواهد شد تا با تعریف و بررسی نظریه کنش گفتار و موضوعاتی که پیرامون آن وجود دارد و دسته‌بندی سخنان روسای جمهور بر اساس ماهیت و بار معنایی جملات در قالب کنش‌های اعلامی، تعهدی، عاطفی و ... به تحلیل سخنان روسای جمهور دو کشور پرداخته شود و در نهایت با تحلیل این سخنان به نوع نگاه دو طرف و کشور‌هایشان درباره یکدیگر و احتمال تغییر روابط میان ایران و آمریکا در آینده نزدیک دست یافت.

کلیدواژه‌ها

روابط ایران و ایالات متحده، نظریه کنش گفتار، جان آستین، حسن روحانی، باراک اوباما.

* Email: moosavi_l85@yahoo.com

مقدمه

روابط ایران و ایالات متحده آمریکا اکنون سال هاست که در وضعیتی دشوار قرار دارد؛ با وقوع انقلاب اسلامی و حوادث پس از آن به ویژه بحران گروگانگیری که به قطع ارتباط دیپلماتیک میان دو کشور انجامید این دو کشور همواره در بسیاری از مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی رودرروی یکدیگر قرار گرفته‌اند. دو متحد سابق که زمانی نزدیک‌ترین روابط را با یکدیگر داشتند حالا سال هاست که راه خود را از یکدیگر جدا کرده‌اند. بعد از انقلاب آنچه بیش از هر چیز دیگر میان ایران و آمریکا مشاهده می‌شود، دشمنی است. از مرگ بر آمریکا و سخنان تند مقام‌های ایرانی علیه آمریکا گرفته تا محور شرارت خواندن ایران توسط جورج بوش رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده. به همین دلیل است که روسای جمهور کنونی دو کشور از بلندی دیوار بی‌اعتمادی میان دو طرف سخن می‌گویند. با وجود تلاش‌های مقطعی در برخی برهه‌های تاریخی برای بهبود روابط میان ایران و ایالات متحده تا چندی قبل یخ روابط سیاسی میان دو کشور آب نشده بود. اما با تغییر فضای سیاسی ایران پس از انتخابات ریاست جمهوری و روی کار آمدن حسن روحانی و سخنان باراک اوباما در مورد آمادگی برای بهبود روابط به نظر می‌رسد، شاید اوضاع در حال تغییر باشد. روابط ایران و آمریکا در سال‌های اخیر به شدت تحت تاثیر موضوع هسته‌ای ایران و اعمال تحریم‌های شدید آمریکا علیه کشورمان بوده است. در چنین فضایی حضور روسای جمهور دو کشور در نشست شصت و هشتم مجمع عمومی سازمان ملل متحد و سخنرانی آنها- به ویژه سخنانی که محتوای آن به روابط دو کشور و سیاست خارجی آنها ارتباط داشت- مورد توجه بسیاری قرار گرفت. بسیاری این سخنان را نشانه چراغ سبز دو کشور به یکدیگر برای بهبود تلقی کردند. با توجه به اهمیت این موضوع است که در این مقاله سعی خواهد شد تا با استفاده از یکی از موفق‌ترین نظریه‌های زبان‌شناسی در امر تحلیل سخنان مقام‌های سیاسی یعنی نظریه کنش‌گفتار آستین به تحلیل سخنان روحانی و اوباما در سازمان ملل بپردازیم. نظریه‌ای که آستین آن را در دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی و در کتاب چگونه کلمات کار انجام می‌دهند؟ برای نخستین بار بیان داشت اما تنها با گذشت زمان بود که بر اهمیت آن افزوده شد و امروز کاربردهای بسیاری در شاخه‌های مختلف از ادبیات تا سیاست دارد.

زبان فقط برای نشان دادن واقعیت استفاده نمی‌شود؛ بلکه در انجام کنش‌ها نیز کاربرد دارد. صحبت کردن، عمل کردن بر روی دیگری است. این جمله را شاید بتوان به عنوان بحث محوری نظریه کنش‌گفتار در نظر گرفت. نظریه کنش‌های زبان از این تفکر که کوچک‌ترین جز ارتباطات انسانی، تحقق برخی از انواع کنش (بیان غیر مستقیم) بیان تأثیری است، منشا می‌گیرد. کنش غیرمستقیم چیزی است که هم‌زمان با سخن گفتن انجام می‌گیرد؛ در حالی که کنش تأثیری با صورت گرفتن تأثیر مورد نظر محقق می‌شود. به این ترتیب سخن گفتن به معنای عمل کردن است. اثرگذاری تأثیری است که توسط سخن بر روی شنونده اعمال می‌شود (آلفا عثمان بری، برگرفته از سایت انسان‌شناسی و فرهنگ). با توجه به همین اهمیت زبان است که امروز تحلیل سخنان مقام‌های سیاسی را به عنوان یکی از راه‌های اصلی دریافت پیام آنها و کشورشان قلمداد می‌کنند و به دقت مورد بررسی قرار می‌دهند.

مباحث نظری

زبان، کاربرد آن در زندگی روزمره و اهمیت آن برای پی بردن به نیت انسان‌ها و خواست و اراده‌ی آنها در انجام کنش‌های بعدی موضوعی است که امروزه مورد توجه بسیاری از تحلیل‌گران در شاخه‌های مختلف علمی از زبان‌شناسی تا فلسفه و سیاست قرار گرفته است. همان‌گونه که ویتگنشتاین اظهار می‌دارد بهترین راه فهمیدن زبان همان سخنان روزانه و متداول است که آدمیان به کار می‌گیرند (کازمبی، ۱۳۸۶: ۲۱۶). از طریق سخنان بیان شده و تحلیل آن می‌توان به مسائل بسیاری پی برد. فرگه نیز با تاکید بر این موضوع معتقد بود زبان محملی است که معنا را

انتقال می‌دهد. زبان در حقیقت به گونه‌ای یکسان قابل فهم است. به این معنا که هرکس در بهره‌گیری از زبان تبحر و مهارت کافی پیدا کند، می‌تواند به درک واحدی از عبارات و جملات صریح آن داشته باشد (کاظمی، ۱۳۸۶: ۲۱۶). امروزه یکی از دیدگاه‌های معناشناسی که بر پایه آن متون مختلف مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد نظریه کنش گفتار است. این نظریه توسط «جان آستین» که یکی از فلاسفه مکتب آکسفورد است مطرح شد. آستین خود تحت تاثیر فلسفه زبان متعارف بود؛ جریانی که به نقد پوزیتیویسم منطقی پرداخت. پوزیتیویست‌ها یا همان عینیت‌گرایان به معیار تحقیق‌پذیری برای تشخیص معنی‌داری یا بی‌معنایی صورت‌های زبانی قایل بوده‌اند (آیر ۱۹۹۴ به نقل از پهلوان نژاد و رجب‌زاده، ۱۳۸۹: ۳۸). با توجه به همین ریشه‌های مشابه زبانی کنش گفتار و تحلیل گفتمان است که هلسینگ اسمیت اظهار می‌دارد که کنش گفتار باید بتواند با نظریه گفتمان هماهنگ شود، زیرا کنش گفتارها در نهایت به عنوان واحدهای زبانی قابل شناسایی هستند. بنابراین باید بتوان آن را در قالب گفتمان گنجانده. از نگاه وی روش تحلیل گفتمان و کنش گفتار مشترکات فراوانی با یکدیگر دارند و به نوعی می‌توانند مکمل یکدیگر قلمداد شوند (smith, 1991: 2).

آستین خود از پیشگامان فلسفه زبان متعارف بود؛ وی در کتاب «چگونه با واژگان کار انجام دهیم» با اتخاذ رویکرد کاربردگرایانه به زبان اعلام کرد که اولاً جملات خبری تنها جملات اصلی معنی‌دار زبان نیست و ثانیاً تعیین ارزش صدق و کذب همه جملات ممکن نیست؛ زیرا هدف گوینده از بیان جملات کنشی توصیف خود عمل است نه توصیف یک وضعیت یا حالت. بر این اساس، آستین جملات را به دو دسته اخباری و اجرایی تقسیم می‌کند و ویژگی‌های بیان‌های اجرایی را اینگونه بیان می‌کند. بیان‌های اجرایی صدق و کذب‌پذیر نیستند؛ بلکه متناسب با نامتناسب هستند. در بیان‌های اجرایی از افعال کنشی مانند قول‌دادن، اعلام‌کردن، اخطار دادن و غیره استفاده می‌شود و این افعال در صورتی که در زمان حال ساده و با فاعل اول شخص به کار روند؛ بیان‌های اجرایی یا کنشی هستند. در نظریه آستین معنی هر جمله شامل سه بخش می‌باشد: کنش بیانی، کنش غیربیانی و کنش تأثیری (آستین، ۱۳۴۹: ۲۶۰-۲۴۲). این نظریه زبانی، با تحلیل اوضاع مختلف کارهایی که می‌توانیم با کلمات انجام دهیم، سروکار دارد. فیلسوفان بر این باور بوده‌اند که زبان به کار گرفته می‌شود تا جهان را بازنمایی کند؛ یعنی نشان دهد که چه هست و چه نیست. به همین دلیل، حقیقت مفهوم مرکزی فلسفه‌ی زبان بوده است. اما این نظریه مصمم است بسیاری از کارهای دیگری را که با کلمات می‌توانیم انجام دهیم، نشان دهد (سرل، ۱۳۸۵: ۸). نظریه مذکور را می‌توان به مثابه حلقه‌ی ربطی در نظر گرفت که نظریه‌های انتزاعی زبان‌شناسی را با واقعیات و مشاهدات عینی که بر چگونگی کاربرد زبان مبتنی است، پیوند می‌دهد (پایا، ۱۳۸۳: ۱۶).

آستین تصویر جدیدی از تحلیل محتوا ارائه کرد؛ محتوا و مفهوم، در رابطه با قراردادهای زبانی که با کلمات یا جملات ساخته می‌شوند شرح داده می‌شود. موقعیتی که در آن گوینده به طور واقعی، بعضی چیزها را به شنونده می‌گوید، که به نیت گوینده مربوط می‌شود. عقیده‌ای که معتقد است معنا میان این روابط وجود دارد، به طور موفقیت‌آمیزی در مفهوم کنش‌ها به تصویر کشیده شده است. بیان جمله، به‌کارگیری قراردادهای زبانی است، گوینده با نیت خود، کنش زبانی را برای شنونده ایجاد می‌کند. تحلیل محتوا از این نظر منحصر به فرد است که محتوا از طریق بعضی اشکال ساده‌سازی، قابل توضیح دادن نیست. در تحلیل محتوای تقلیل یافته، پیچیده‌گی‌های محتوا با جمله‌ای بیان می‌گردد که به‌وسیله معیار خاصی به چیزی دیگر غیر از آن چیزی که هست تقلیل می‌یابد. جدی‌ترین تقلیل‌گرایان، پوزیتیویست‌های منطقی هستند. طبق نظر وارنک (۱۹۶۹) با اصول اثباتی، پوزیتیویست‌های منطقی، پیچیدگی‌های محتوایی جمله را به امور اثبات‌پذیر تقلیل می‌دهند و جمله اثبات‌ناپذیر را به صحبت‌های کاملاً مهممل محکوم می‌کنند. همچنین تراسکی، رهیافت تقلیل‌گرایی را می‌پذیرد و از محتوای یک جمله برحسب حالتی از امور

که جمله با آن مطابقت دارد دفاع می‌کند. معناشناسان مدرن، حقیقت مشروط نظریه توضیح محتوای جمله روسل و نظریه ارتباط ایجاد کردن بین مفهوم جمله با واقعیت یا حالت امور تراسکی - روسل را اقتباس کرده‌اند. داوتی، وال، و پیترز (۱۹۸۶) می‌گویند، توضیح دادن محتوای یک جمله، تصریح کردن شرایط حقیقی آن است تا شرایط لازم و کافی برای حقیقت آن جمله را نشان بدهد. از سوی دیگر، آستین، سعی می‌کند تا کلیت کنش گفتاری را در کلیت موقعیت گفتاری شرح دهد و در مقابل بیش از حد ساده‌سازی پیچیدگی‌های محتوا، به خصوص، با تقلیل دادن محتوا به محتوای توصیفی هشدار دهد (Oishi, 2006: 1-2). از نظر آستین تمام اظهارات زبانی از سنخ اظهارات کنشی و از مقوله فعل بوده، به همین دلیل نظریه کنش گفتاری برای تحلیل همه افعال زبانی به کار می‌رود. از نظر آستین، کنش گفتار یعنی پاره‌گفتار با معنی‌ای که به آن کنش بیانی گفته می‌شود؛ این پاره‌گفتار با معنی دارای بار قراردادی است که به آن کنش غیربیانی گفته می‌شود و این جمله‌ی با معنی به بعضی از امور غیر قراردادی، بار قراردادی می‌دهد که آن را کنش پس بیانی می‌نامد (آستین، ۱۳۴۹: ۱۵۰). مطالعات دقیق‌تر و عمیق‌تر آستین نشان داد که تقسیم اظهارات به اخباری و کنشی نیز نادرست است، زیرا تمام آنچه وی درباره اظهارات کنشی صادق می‌دانست درباره اظهارات اخباری نیز صادق است. آستین در تحلیل بیش‌تر چنین جمله‌هایی شرح داد که می‌توان در تحلیل جمله‌های کنشی خطا کرد؛ زیرا مساله‌ای گسترده‌تر از صدق و کذب در آنها مطرح شده است. اگر فردی غیر از شهردار، جاده را باز اعلام می‌کرد و اگر جاده‌ها از نظر قانونی نمی‌توانستند از این طریق باز شوند، اعلام جمله‌ی این جاده باز است به نتیجه‌ی مطلوب نمی‌رسید یا ناموفق می‌ماند (استیور، ۱۳۸۴: ۱۶۷). او سپس به این نتیجه رسید که در میان اظهارات زبانی، طبقه مهمی وجود دارد که ظاهرش مثل جمله‌ی خبری است؛ اما نه صادق است و نه کاذب. زیرا قصد گوینده از ادای این جمله‌ها، توصیف وضع و حال یا واقعیت نیست، بلکه انجام فعل است. برای مثال، اگر کسی بگوید قول می‌دهم شما را ببینم، قصد او از این جمله‌ی خبری توصیف وعده یا حکایت کردن از وعده نیست، بلکه با همین جمله وعده می‌دهد و فعل را تحقق می‌بخشد (سلیمی‌نوه، ۱۳۸۳: ۵۳). توجه کردن به این نکته آستین را بر آن داشت که به جای تمایز قائل شدن میان گزاره‌های توصیفی و ارزشی، تقسیم‌بندی دیگری را مطرح کند. از نظر او، اظهارات هر گوینده را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد، اظهارات اخباری و اجرایی. برای تمایز میان این دو دسته هم می‌توان ملاک‌هایی را در نظر گرفت.

۱. اظهارات اخباری صدق و کذب پذیرند؛ اما اظهارات اجرایی صدق و کذب پذیر نبوده و متناسب و نامتناسبند؛ مثلاً جمله‌های برف سفید است یا ناپلئون در جنگ واترلو شکست خورد قابل تصدیق یا تکذیبند؛ اما جمله‌ی شما را زن و شوهر اعلام می‌کنم قابل تصدیق و تکذیب نیست، بلکه متناسب یا فاقد تناسب است، بدین معنی که اگر تحت شرایط خاص مانند اعلام رضایت قبلی طرفین انجام شود، متناسب و بجاست و اگر هر یک از شرایط لازم تحقق نیابد، فاقد کارایی لازم و نابجا خواهد بود.

۲. معمولاً در اظهارات اجرایی از افعال خاصی مثل قول دادن، اعلام کردن، اخطار کردن استفاده می‌شود؛ مثلاً فردا را عزای عمومی و تعطیل رسمی اعلام می‌کنم. یا قول می‌دهم هرگز دورغ نگویم. در حالی که در اظهارات اخباری غالباً از افعال توصیفی و ایستا استفاده می‌شود؛ مثلاً آسمان آبی است یا هوا سرد است.

۳. در اظهارات اجرایی گوینده با اظهار خویش به خودی خود عملی را انجام می‌دهد و مثلاً وعده‌ای می‌دهد یا تهدید می‌کند؛ یعنی اظهارش از مقوله‌ی انجام دادن است؛ در حالی که در اظهارات اخباری یک واقعیت (یا خلاف واقعیت) بیان یا توصیف می‌شود (پهلوان‌نژاد، رجب‌زاده؛ فخر روحانی، ۱۳۸۹: ۱۲۵).

آستین، سرل و گریس استدلال نمودند که اگر سخن گفتن و نوشتن از منظر کاربردی/پراگماتیستی، به عنوان فعالیت‌های زبان‌شناختی که توسط نویسندگان و گویندگان صورت می‌پذیرد، نگریده‌شده شوند، در آن صورت می‌توانند

حداقل متشکل از دو کنش تلقی شوند. نخست آنکه نویسنده یا گوینده در هنگام بیان مطلبی و بیان کلمات، جملات و استدلال‌ها و نظریه‌ها و اموری همانند آن، آنها را با معنای گفتاری یا گزاره‌ای خاصی (یعنی با معنا و دلالت خاصی) مطرح می‌سازد. کنش دوم که برای اسکینر از اهمیت بیشتری برخوردار بود، آن است که نویسنده در سخن گفتن یا نوشتن کلمات، جملات، استدلال‌ها و امثال آن، در حال انجام کاری است؛ او آن کار را با منظور یا با بار قصد شده‌ای انجام خواهد داد. آستین این امر را بار غیرگفتاری کنش زبانشناختی خواند که با معنای گفتاری هماهنگ / هم‌پایه است. او اظهار نمود شرط لازم برای فهم یک گوینده یا نویسنده تضمین توجه به بار غیرگفتاری بیان می‌باشد (حقیقت، ۱۳۸۷: ۳۷۸).

انواع کنش‌های گفتاری از دیدگاه سرل

سرل یکی دیگر از نظریه‌پردازان مطرح کنش گفتاری است که دیدگاه‌هایش با توجه به شفافیت بیشتر نسبت به آستین و امکان به کارگیری ساده‌تر آن در سال‌های اخیر مورد توجه بسیاری قرار گرفته است. بافت یا فحوای کلام یکی از مهم‌ترین عواملی است که در تقسیم‌بندی انواع کنش‌های گفتاری در دیدگاه سرل اهمیت دارد. چگونگی شکل‌گیری بافت یک کنش گفتار با ماهیت و مقصود از تولید آن کنش در تعامل است. مثلاً اینکه آیا کنش یک عمل اجتماعی صرف است یا خیر و یا اینکه آن کنش در بر دارنده چه نوع عمل اجتماعی می‌باشد (اسبیس، ۲۰۰۲). به همین دلیل است که در بررسی کنش‌های گفتاری متون مختلف لازم است نوع بافت در بردارنده کنش گفتار و نوع عمل اجتماعی مورد نظر از تولید آن مورد توجه دقیق قرار گیرد. سرل در بسط نظریه کنش گفتار اقدام به طبقه‌بندی کنش‌های گفتاری در پنج حیطه مختلف به شرح زیر نمود (سرل، ۱۹۶۹).

۱- کنش اظهاری

در کنش‌های گفتاری اظهاری گوینده تعهد خود را نسبت به صدق گزاره‌هایی که اظهار می‌دارد نشان می‌دهد. گوینده از طریق این نوع کنش به مقایسه محتوای گزاره‌ای، با جهان خارج می‌پردازد و باور خویش را نشان می‌دهد. برخی فعل‌های به کار رفته برای بیان کنش‌های گفتاری اظهاری عبارتند از: بیان کردن، تایید کردن، گفتن، بودن، صبر کردن، شنیدن، باز کردن و انتظار داشتن (پهلوان‌نژاد، رجب‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۲۳).

۲- کنش ترغیبی

هدف غیربیانی این کنش، ترغیب مخاطب برای انجام کاری و قرار دادن شنونده در حالت تکلیف و اجبار برای انجام عملی است؛ یعنی گوینده می‌خواهد شنونده کاری انجام دهد. گوینده سعی می‌کند تا کاری کند که چیزهایی انجام شود و جهان را با محتوای گزاره‌ای که شامل عمل آتی شنونده می‌باشد، تطبیق بدهد. کنش ترغیبی خواست‌ها و تمایلات گوینده را بیان می‌کند. نمونه بارز کنش ترغیبی را می‌توان در پرسش‌ها یا درخواست‌ها مشاهده کرد. مثال: ۱- به آنها، زنان و مردان با شرافتی که برای فرزندان خویش همان چیزهایی را می‌خواهند که ما برای کودکان خویش می‌خواهیم، باید امید بدهیم.

۲- آیا تولید این سلاح‌های مرگبار و انباشت آنان در زرادخانه‌ها برای توسعه صلح و دموکراسی است؟

ابزارهای شناخت کنش ترغیبی عبارتند از، من اجازه می‌دهم که، من اخطار می‌کنم که، من به ... نصیحت می‌کنم که، من پیشنهاد می‌کنم که، من تقاضا می‌کنم که، من تکرار می‌کنم که، من توصیه می‌کنم که، من دستور می‌دهم که، من دعوت می‌کنم که، من سوال می‌کنم که، من هشدار می‌دهم که و ... (پهلوان‌نژاد، اصطهباناتی، ۱۳۸۷).

۳- کنش تعهدی

این کنش مربوط به متعهد کردن خود گوینده برای انجام دادن عملی در آینده است. گوینده با قول دادن، سوگند خوردن و اعمالی نظیر این، متعهد می‌شود که در گوینده کاری را انجام بدهد. هدف این کنش تطبیق دادن جهان با محتوای گزاره‌ای عمل آتی شنونده می‌شود. مثال:

۱- من متعهد می‌شوم که دو کشور دموکراتیک اسرائیل و فلسطین در کنار یکدیگر در صلح و امنیت زندگی کنند. ابزارهای تسهیل شناخت کنش تعهدی عبارتند از، من تعهد می‌دهم که، من دعوت می‌کنم که، من قسم می‌خورم که، من قول می‌دهم که، من متعهد می‌شوم که ... (پهلوان نژاد، اصطهباناتی، ۱۳۸۷).

۴- کنش اعلامی

هدف از کنش‌های اعلامی، اعلام شرایط تازه‌ای برای مخاطب یا مخاطبان (و جهان خارج) به وسیله گوینده می‌باشد. بدین معنی که هم‌زمان با بیان آن شرایط انطباقی بین زبان و جهان خارج روی می‌دهد؛ البته صرف بیان شرایط تازه به منزله‌ی انجام یک کنش اعلامی نیست؛ بلکه شرایطی برای تحقق آن لازم است که از آن جمله می‌توان به صلاحیت گوینده برای بیان شرایط جدید اشاره کرد؛ به عنوان نمونه به کنش‌های اعلامی زیر توجه کنید:

۱- شما را به عقد دائم یکدیگر در می‌آورم.

۲- آغاز جنگ را اعلام می‌کنم (پهلوان نژاد؛ رجب‌زاده؛ فخر روحانی، ۱۳۸۹: ۱۲۸).

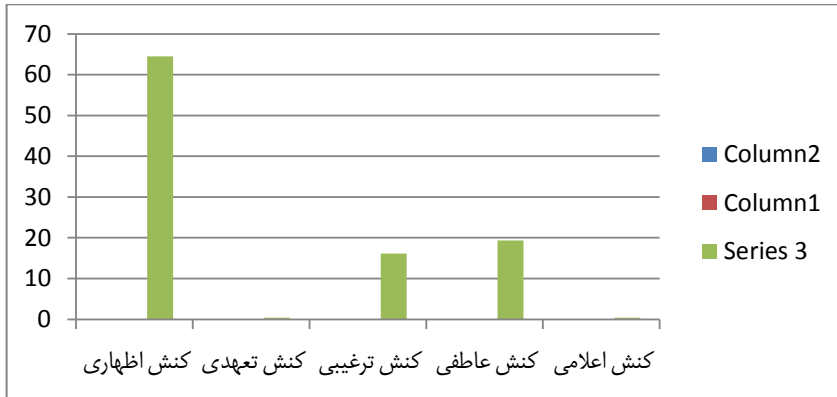
۵- کنش عاطفی

هدف کنش عاطفی بیان حالتی روانی است که شخص در آن سهیم شده است. گوینده احساس خود را از طریق قدردانی، عذرخواهی، تبریک، ناسزا و جز این‌ها بیان می‌کند. با بیان هر گزاره (با فرض حقیقی بودن آن)، در شخص احساسی بوجود می‌آید؛ یا خوشحال می‌شود یا افسوس می‌خورد یا افعال کنش عاطفی شامل بیان آرزو، تشکر کردن، معذرت خواستن، سلام کردن، احترام گذاشتن، فرض داشتن، تامل کردن، متضمن چیزی بودن، پیش‌بینی کردن، خشنود شدن، تبریک گفتن، تردید داشتن، تسلیم شدن و ... است. من خشنود هستم که و من معذرت می‌خواهم که ... از ابزارهای تسهیل شناخت کنش عاطفی هستند (زرقانی؛ اخلاقی، ۱۳۹۱: ۶۹).

تحلیل مواضع اوباما در مجمع عمومی سازمان ملل متحد

باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا سخنان خود در نشست شصت و هشتم این سازمان را با ارائه مواضع کلی این کشور در سطح بین‌المللی آغاز کرد. هدف از تشکیل سازمان ملل متحد، بحران در کشورهای مصر و سوریه، تروریسم، مساله روابط پر کشمکش فلسطینیان و اسرائیل و لزوم ایجاد ثبات در منطقه خاورمیانه همراه با لزوم خروج نیروهای نظامی آمریکایی از منطقه دیگر محورهای سخنان رئیس‌جمهور ایالات متحده در نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد بود. اما بخش مهمی از سخنان باراک اوباما را مسائل مرتبط با ایران از جمله روابط دو کشور و به ویژه آینده موضوع هسته‌ای ایران و حل این موضوع تشکیل داد. ادبیات رئیس‌جمهور آمریکا در این نشست در مورد ایران به باور بسیاری متفاوت از سخنان پیشین باراک اوباما و دیگر روسای جمهور این کشور به ویژه سلف او جرج دبلیو بوش در مورد ایران بود. اوباما در این سخنرانی برخلاف دفعات گذشته صحبتی در خصوص تهدید ایران نکرد؛ از رهبری انقلاب ایران و مواضع سخن گفت و از آمادگی ایالات متحده برای تعامل با ایران و حل موضوع هسته‌ای. در ادامه و در غالب نمودار زیر می‌توان به ماهیت سخنان اوباما در مجمع عمومی براساس تقسیم‌بندی ۵ گانه‌ای که آستین در دیدگاه‌های خود مطرح کرده و در بخش نظری بدان اشاره داشتیم پی برد.

نمودار تحلیل سخنان باراک اوباما براساس کنش های گفتاری ۵ گانه آستین



نمودار درصدی سخنان باراک اوباما در خصوص ایران

۶۴/۵۱	کنش اظهاری
۰۰/۰۰	کنش تعهدی
۱۶/۱۲	کنش ترغیبی
۱۹/۳۵	کنش عاطفی
۰۰/۰۰	کنش اعلامی

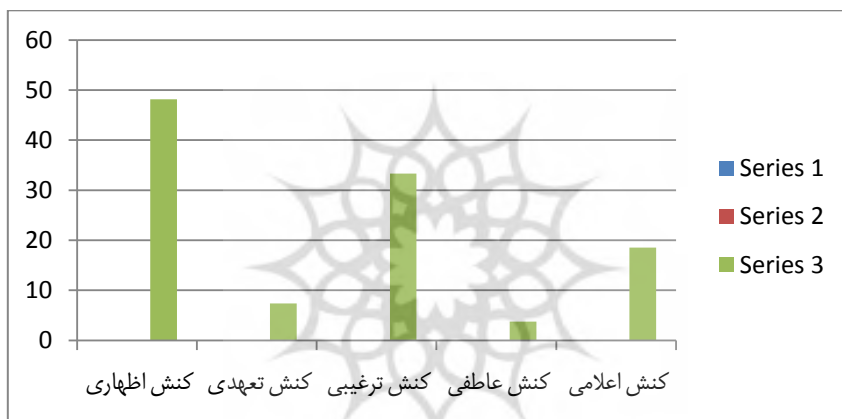
همان طور که در نمودار فوق قابل مشاهده است بیشترین کنش را در ادبیات رئیس جمهور آمریکا کنش اظهاری که به بیان نقطه نظرات و اعتقادات می پردازد به خود اختصاص داده است. به این ترتیب می توان گفت بیش از نیمی از سخنان باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا به تبیین نقطه نظرات و سیاست های آمریکا در خصوص ایران اختصاص یافته است. کنش ترغیبی کنشی است که برای همراه کردن دیگران با عقاید خویش به کار می رود. رئیس جمهور آمریکا ۱۶/۱۲ درصد از سخنان خود در مورد ایران را به این کنش اختصاص داده است که بیان کننده ی خواست ها و تمایلات ای کشور در زمینه رابطه با ایران است. ۱۹/۳۵ درصد از سخنان رئیس جمهور ایالات متحده در رابطه با ایران را کنش عاطفی تشکیل می دهد که نشان دهنده ی بار مثبت سخنان اوباما در خصوص ایران است. کمترین کنش در سخنان باراک اوباما را کنش های تعهدی و اعلامی با میزان صفر درصد تشکیل می دهد. در مجموع باید گفت سخنان اوباما برخلاف سخنان گذشته مقام های آمریکایی حاوی مواضع قاطعانه در خصوص ایستادگی در برابر ایران و فعالیت های اتمی این کشور نبوده و با توجه به بالا بودن میزان کنش های ترغیبی در سخنان وی رئیس جمهور ایالات متحده بیش از پیش به دنبال همراه ساختن ایران با آمریکا در زمینه های مختلف و تعامل با این کشور بوده است. این نکته نیز باید مورد توجه قرار گیرد که سخنان اوباما در خصوص ایران هیچ گونه بار تعهدی در خصوص مسائلی نظیر برداشتن تحریم ها و حل موضوع هسته ای نبوده است و بیشتر از بار ترغیبی برخوردار بوده است.

تحلیل مواضع حسن روحانی رئیس جمهور ایران در مجمع عمومی سازمان ملل متحد

سخنان رئیس جمهور ایران در سازمان ملل با بیان مواضع کلی ایران در خصوص سیاست خارجی در عرصه های منطقه ای و بین المللی آغاز شد. رئیس جمهور ایران هم مانند اوباما به موضوع سوریه و جنگ داخلی در این کشور و

راه حل‌های آن پرداخت. حسن روحانی همچنین از مساله فلسطین و خشونت‌ها که بر فلسطینی‌ها روا می‌شود گفت؛ او در سخنانش به مسائلی همچون جنگ و خشونت و تروریسم اشاره کرد. موضوعاتی که از سوی آمریکا همواره به عنوان اهرم فشار علیه ایران و سایر کشورها مطرح بوده است و رئیس‌جمهور ایران در واقع با بیان این عبارات و سخن از ناکارآمدی گزینه جنگ و لزوم جایگزینی آن با صلح پاسخی غیرمستقیم به ایالات متحده داد. صحبت از تحریم به عنوان راه‌حلی ناکارآمد که در این سال‌ها از سوی ایالات متحده به عنوان راه‌حل اصلی برخورد با ایران و موضوع هسته‌ای این کشور و برخی کشورهای دیگر از سوی آمریکایی‌ها به کار گرفته شده بخشی دیگر از سخنان روحانی را تشکیل می‌داد. در نهایت بخش قابل توجهی از سخنان رئیس‌جمهور ایران را در مجمع عمومی سازمان ملل بیان مواضع این کشور در ارتباط با پرونده هسته‌ای و رابطه این کشور با آمریکا تشکیل می‌داد. در ادامه تحلیل سخنان حسن روحانی در نشست مجمع عمومی سازمان ملل با تقسیم‌بندی ۵ گانه‌ی استین در نمودار زیر قابل به صورت تفکیکی مشاهده است.

نمودار تحلیل سخنان حسن روحانی براساس کنشهای گفتاری ۵ گانه آستین



نمودار درصدی سخنان حسن روحانی در سازمان ملل متحد

۴۸/۱۴	کنش اظهاری
۷/۴	کنش تعهدی
۳۳/۳۳	کنش ترغیبی
۳/۷۰	کنش عاطفی
۱۸/۵۱	کنش اعلامی

همان‌طور که در نمودار فوق قابل مشاهده است بیشترین کنش را در ادبیات رئیس‌جمهور ایران کنش اظهاری که به بیان نقطه‌نظرات و اعتقادات می‌پردازد به خود اختصاص داده است. ۴۸/۱۴ درصد از سخنان حسن روحانی رئیس‌جمهور ایران به تبیین نقطه‌نظرات و سیاست‌های این کشور در خصوص رابطه با آمریکا و موضوع هسته‌ای که مهم‌ترین موضوع مورد مناقشه دو کشور در سال‌های اخیر بوده است اختصاص یافته است. کنش ترغیبی همان‌گونه که پیش از این نیز مورد اشاره قرار گرفت کنشی است که برای همراه کردن دیگران با عقاید خویش به کار می‌رود و

در صحبت‌های حسن روحانی از درصد قابل توجهی برخوردار است و بعد از کنش اظهاری بالاترین میزان کنش‌های گفتاری رئیس‌جمهور ایران را تشکیل می‌دهد. وجود ۳۳/۳۳ درصد کنش ترغیبی در سخنان روحانی نشان دهنده این است که ایران علاقه‌مند به ترغیب طرف آمریکایی به همراهی با خود در جهت حل موضوع هسته‌ای و برقراری روابط بهتر و همکاری دو طرف با یکدیگر است. از سوی دیگر وجود ۱۸/۵۱ درصد کنش اعلامی در سخنان رئیس‌جمهور در نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد نشان می‌دهد که ایران علی‌رغم علاقه‌مندی برای گسترش روابط و همکاری با آمریکا و حل مسائل به صورت مسالمت‌آمیز همچنان بر مواضع اصولی و خطوط قرمز خود از جمله حق غنی‌سازی اورانیوم در خاک ایران و حفظ برنامه هسته‌ای خود استوار است و پافشاری می‌کند. از سوی دیگر با توجه عمیق به سخنان ایشان این نکته نیز قابل دریافت است که کنش‌های اعلامی رئیس‌جمهور ایران با وجود اعلام قاطعیت بر مواضع اساسی به نوعی نشان‌دهنده‌ی انعطاف ایران در مواضع قبلی خود نیز بوده است؛ چرا که حسن روحانی در سخنانش به وضوح از اعلام آمادگی ایران برای شفاف‌سازی فعالیت‌های هسته‌ای خود سخن می‌گوید. پایین‌ترین میزان کنش‌های گفتاری در صحبت‌های رئیس‌جمهور ایران را کنش تعهدی با ۷/۴ و عاطفی با ۳/۷ تشکیل می‌دهد که در مقایسه با مواضع او با درصدی بالاتر بوده است. درصد بالاتر کنش تعهدی ایران را می‌توان به معنای علاقه‌مندی بیشتر این کشور برای حل مشکلات با جهان خارج به ویژه بر سر موضوع هسته‌ای قلمداد کرد.

نتیجه‌گیری

سخنان روسای جمهوری ایران و آمریکا در سازمان ملل فضای رسانه‌ای جهان را به شدت تحت تأثیر قرار داد. محتوا و ادبیات متفاوتی که رهبران دو کشور در سازمان ملل در خصوص موضوعات مهم مرتبط با یکدیگر به خصوص موضوع هسته‌ای ایران پیش گرفتند فضایی مثبت را پیش روی دو طرف ترسیم کرد. اعلام آمادگی برای مذاکرات هسته‌ای به صورت شفاف، نتیجه‌گرا و در سریع‌ترین زمان ممکن از سوی ایران همان چیزی بود که طرف آمریکایی علاقه‌مند بود بشوند. سخنان رئیس‌جمهور ایران در مورد تلاش ایران برای حفظ و افزایش امنیت منطقه و علاقه‌مندی برای ایفای نقش مثبت در معادلات منطقه‌ای و جهانی، عدم اشاره مستقیم به موضوعات حساسیت برانگیزی همچون هولوکاست و موجودیت رژیم صهیونیستی، بازتاب مثبتی در میان طرف‌های غربی به خصوص مقام‌های آمریکایی یافت. از طرف دیگر سخنان باراک او با ما در مورد ایران هم تا حدود زیادی متفاوت از قبل بود. اشاره به فتوای رهبری انقلاب در مورد استفاده نکردن از سلاح هسته‌ای و به رسمیت شناختن حق ایران در استفاده‌های صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای آن هم از تریبون سازمان ملل و البته آمادگی برای مذاکره با ایران به نوعی پنجره جدیدی را برای برقراری روابطی متفاوت میان دو کشور گشود. تأثیر مثبت سخنان دو رئیس‌جمهور خیلی سریع خود را در همان روزهای برگزاری مجمع عمومی سازمان ملل نشان داد. بعد از سال‌ها محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه ایران و جان کری وزیر امور خارجه آمریکا در حاشیه نشست مجمع عمومی و در حضور دیگر اعضای گروه ۵+۱ در کنار یکدیگر نشستند. دیداری که پیش از این هرگز سابقه نداشت و خوش‌بین‌ترین تحلیل‌گران هم تصور نمی‌کردند به این زودی شاهد چنین دیداری میان مقام‌های ایرانی و آمریکایی آن هم در چنین سطحی باشند. تماس تلفنی روسای جمهوری ایران و آمریکا هم بعد دیگری در بهبود روابط میان دو کشور گشود. رئیس‌جمهور ایران در روزهای پایانی سفر خود به آمریکا و در کنفرانس خبری به صراحت اعلام کرد «می‌خواهم این سفر اولین گام برای روابط بهتر دو ملت ایران و آمریکا باشد و در دومین گام نسبت به کاهش تنش‌های بیشتر میان دو دولت اقدام کنیم و در سومین گام زمینه‌ای برای دستیابی به منافع مشترک فراهم شود».

در حال حاضر که حدود دو سال از سخنرانی حسن روحانی و باراک او با ما در شصت و هشتمین نشست مجمع عمومی

سازمان ملل می‌گذرد روشن شده است که سخنان دو طرف در بهبود روابط ایران و آمریکا و تغییر فضای مناسبات سیاسی میان این دو کشور تاثیرگذار بوده است. در حوزه‌ی پرونده‌ی هسته‌ای ایران تاکنون چندین دور مذاکره میان ایران و اعضای گروه ۵+۱ صورت گرفته که آمریکا هم در واقع از اعضای تاثیرگذار این گروه است. مذاکرات دو طرف در نهایت بعد از امضای توافق موقتی ژنو به بیانیه‌ی لوزان در فروردین ماه ۱۳۹۴ رسید که بعد از سال‌ها مذاکره فضایی بسیار مثبت را پیش روی پرونده هسته‌ای کشورمان گذاشته و امیدها را برای پایان دادن به مناقشه هسته‌ای میان ایران و آمریکا افزایش داده است. اوباما رئیس‌جمهور آمریکا هم با ایستادگی در برابر کنگره تا مرز وتوی تصمیم کنگره آمریکا برای اعمال تحریم‌های بیشتر علیه ایران نشان داد دو طرف در مسیر کاهش تنش‌ها و تلاش برای دستیابی به توافق گام بر می‌دارند. با این حال ساده‌انگارانه خواهد بود که عزم دو رئیس‌جمهور و حتی دستگاه اجرایی در ایران و آمریکا برای کاهش تنش‌ها و پایان دادن به موضوع هسته‌ای ایران را قاطعانه به معنای حل مشکلات دو طرف قلمداد کرد. مسیر متفاوتی که ایران و آمریکا در سیاست خارجی خود در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی طی می‌کنند از یک سو و وجود گروه‌های فشار و رادیکال مخالف بهبود روابط دو طرف از سوی دیگر عاملی است که می‌تواند به سرعت معادلات را بر هم زند و به هیچ عنوان نباید نادیده گرفته شود. با این همه، محتوای سخنرانی رؤسای جمهور دو کشور در مجمع عمومی سازمان ملل نشان داد روابط ایران و آمریکا وارد مرحله‌ی اگر نه جدید، حداقل متفاوت با گذشته شده است.

منابع الف) فارسی

۱. استیور، دان (۱۳۸۴)، *فلسفه زبان دینی*، ترجمه ابوالفضل ساجدی، قم: ادیان.
۲. پایا، علی (۱۳۸۳)، *فلسفه تحلیلی؛ مسائل و چشم اندازها*، چاپ دوم، تهران: انتشارات طرح نو.
۳. پهلوان نژاد، محمدرضا؛ اصطهباناتی، لیدا (۱۳۸۵)، بررسی کنش‌های گفتار در سخنرانی‌های روسای جمهور ایران و آمریکا در سازمان ملل، *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز*، سال ۵۱، پائیز و زمستان.
۴. پهلوان نژاد، محمدرضا؛ رجبزاده، مهدی (۱۳۸۹)، تحلیل متن‌شناسی زیارت‌نامه‌ی حضرت امام رضا علیه‌السلام بر پایه‌ی نظریه کنش‌گفتار، *فلسفه و کلام*، پائیز، شماره ۴۳.
۵. پهلوان نژاد، محمدرضا و رجبزاده، مهدی (۱۳۸۹)، تحلیل متن‌شناسی زیارت‌نامه حضرت امام رضا (ع) بر پایه نظریه کنش‌گفتار، *مطالعات اسلامی: فلسفه و کلام*، سال چهل و دوم، ۵۴-۳۷.
۶. حقیقت، صادق (۱۳۸۷)، *روش‌شناسی علوم سیاسی*، قم: سازمان انتشارات دانشگاه مفید.
۷. سرل، جان (۱۳۸۵)، *افعال گفتاری*، ترجمه علی عبداللهی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۸. سلیمی نوه، اصغر (۱۳۸۳)، *گفتمان در اندیشه فوکو، کیهان فرهنگی*، شماره ۲۱۹.
۹. کاظمی، سید علی اصغر (۱۳۸۶)، *هفت ستون سیاست*، چاپ دوم، تهران: انتشارات فرهنگ اسلامی.

ب) لاتین

1. Austin, J.L. (1970), **How to do things with words**, the William James Lectures delivered at Harvard University in (1955) Second edition. Edited by J.o. urmson and marina.
2. Helsing Smith, Peter Wilfred (1991), **Speech acts Theory, Discourse Structure and Indirect Speech Acts**, University of Leeds, Department of Philosophy.
3. Oishi, Etsuko (2006), **Austin Speech Acts Theory and the Speech Situation, Esercizi filosofici**, 1, pp: 1-14.
4. Sbisa. M (1962), **Cambridge Massachusetts**, Harvard University press.
5. Sbisa, M (2002), **Speech acts in context, Language and communication-** pp: 421-436.
6. Searle, J.R. (1969), **Speech acts**, Cambridge: Cambridge university press.